

## بررسی رابطه بین ویژگیهای شخصیتی با انواع هویت در دانش آموزان دختر سوم راهنمایی شهر تبریز سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹

دکتر سید داود حسینی نسب<sup>۱</sup>

دکتر حمید پورشریفی<sup>۲</sup>

ویدا محمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف تعیین رابطه ویژگی های شخصیتی با انواع هویت دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی تبریز با استفاده از روش تحقیق توصیفی- همبستگی انجام گرفت، حجم نمونه مورد مطالعه ۳۷۰ نفر بود که از طریق نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب گردیدند. ابزار اندازه گیری شامل پرسشنامه هویت بنیون و آدامز (OMEIS-2)، پرسشنامه شخصیتی نئو فرم کوتاه (NEO-FFI) بود.

تحلیل ها با استفاده از نرم افزار SPSS و روشهای آماری ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. نتایج نشان داد بین نوروذگرایی با هویت آشفته، بین نوروذگرایی با هویت تعویق افتاده، بین انعطاف پذیری با هویت زود هنگام، بین برون گرایی با هویت پیشرفته، بین وجدان گرایی با هویت پیشرفته، رابطه مثبت و معنی دار دیده شد. اما بین دلپذیری با هویت زود هنگام رابطه معنی دار دیده نشد. به نظر می رسد توجه به شخصیت دانش آموزان دختر می تواند در شکل گیری هویت آنها مفید باشد.

**واژه های کلیدی:** هویت، ویژگی های شخصیتی، دختران راهنمایی تبریز.

<sup>۱</sup>- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

<sup>۲</sup>- عضو هیات علمی دانشگاه تبریز

<sup>۳</sup>- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

## مقدمه

هویت یابی در دوران نوجوانی به موازات رشد فیزیکی، شناختی، اجتماعی و عاطفی اهمیت خاصی می یابد. بسیاری از نوجوانان با شور زیادی از خود سؤال می کنند که جایگاه اجتماعی من کجاست؟ شغل آینده من چیست؟ رشته ی تحصیلی من چه خواهد بود؟ و سرانجام با چه کسی ازدواج خواهم کرد؟ این سئوالات در واقع تلاش برای یافتن هویت است که در نحوه برخورد نوجوان با دیگران اثر می گذارد و با تغییر زمینه اجتماعی دچار دگرگونی می شود (احمدی و جمهری، ۱۳۸۵).

یکی از روانشناسان معروف که نام او با « هویت یابی » در دوره نوجوانی تداومی می شود اریکسون است. او دوره نوجوانی را به عنوان پلی بین کودکی و بزرگسالی در نظر گرفته که دارای اهداف و ویژگی های خاصی می باشد، که این اهداف عبارتند از:

(الف) پذیرش تغییرات فیزیولوژیکی و جسمانی بلوغ

(ب) اکتساب استقلال

(ج) پیدایش یک هویت محکم و منسجم

(د) رشد الگوهای شناختی بزرگسالی (نقل از آدامز و مونته مایر، ۱۹۸۹).

اریکسون رشد انسان را به هشت مرحله تقسیم می نماید و هر مرحله را با خصایص و بحرانهای خاص توصیف می کند، به طوری که هدف هر مرحله، برطرف کردن آن بحران خاص می باشد. وی نوجوانی را زمان وقوع بحران هویت می داند و معتقد است زمانی که بحران هویت برطرف شود فرد به هویت متشکل و منسجم خود می رسد (نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷).

او معتقد است تا قبل از بلوغ و نوجوانی، شخصیت فرد وحدت و هماهنگی ندارد، با گذر از این مراحل است که وحدت هماهنگی درونی، خودپذیرش و

ثبات نسبی سازمان «من» کسب میشود. نوجوان در تمام کشمکشها و تلاشهای خویش، در پی کشف هویت است. وی میل دارد جا، مقام و مکان، مفهوم و معنی خویشتن خویش را بیابد، آن را بازسازی کند و یا دگرگون سازد و از نو پی ریزی نماید. این جریان سر تا سر وجود و هستی او را به خود مشغول می کند (نقل از نقی زاده، ۱۳۸۷).

او معتقد است که عمده ترین تکلیف یک نوجوان حل بحران « هویت در برابر سردرگمی نقش» است. برای رسیدن به هویتی کم و بیش با ثبات، نوجوان باید نیازها و آرزوها و تواناییهای خود را به شکل تازه ای سازماندهی کند، تا از این طریق بتواند خود را با انتقادات موجود در جامعه وفق دهد (احدی و جمهری، ۱۳۸۵).

بحران هویت که اریکسون (۱۹۵۹) حل آن را نشانه پیروزی و رسیدن به تعادل خود دوره نوجوانی می داند، بحران خودیابی و تشکیل شخصیت است. در تعریف هویت، استمرار شخصیت به عنوان یک واژه کلیدی به کار میرود. استمرار شخصیت به این معنی است که فرد در طول زمان و مکان همان شخص است و نه شخص دیگر. در این حالت هم خود فرد و هم دیگران او را «همان فرد» تشخیص داده و می شناسند. این نوع از هویت معمولاً با استفاده از نام، حالات و موقعیت اجتماعی، حرفه، نشانی و نظایر آن بیان میشود.

مارسیا<sup>۱</sup> پس از اریکسون به این نتیجه رسید که شکل گیری هویت در مراحل مختلفی صورت می گیرد. به عقیده وی نوجوانان در پیشرفت خود به سوی یک هدف منسجم چهار حالت را پشت سر می گذارند. این چهار حالت هویت عبارتند از:

<sup>۱</sup> - Marcia

۱- هویت آشفته: در این حالت به ندرت تعهدی نسبت به اشخاص، عقاید، اصول وجود دارد. در عوض تاکید عمده برای زندگی در لحظه حاضر می باشد. همچنین به نظر می رسد فرد از درون خالی است و یا فاقد خود بوده و سرگردان می باشد.

۲- هویت زود شکل گرفته: از مشخصات آن اجتناب آزادانه است. فرد بیشتر توسط دیگری جهت داده می شود تا توسط خودش، نقشی را که افراد قدرتمند یا دوستان با نفوذ به او توصیه می کنند، با فراغ بال می پذیرند. به نظر می رسد که فرد از مسئولیتی که به دنبال آزادی وجود دارد، می ترسد.

۳- هویت به تعویق افتاده: این نوع هویت معمولاً نتیجه یک تصمیم سنجیده و یا تعمق می باشد که فرد به خود فرصت می دهد تا از فشار ناشی از مدرسه، دانشگاه و یا اولین شغل تا حدی خلاصی یابد. هدف این است که فرصتی برای نفس کشیدن ایجاد شود تا طی آن فرد جنبه های روانی خود و حقیقت عینی را بهتر کشف کرده و بشناسد.

۴- هویت موفق یا پیشرفته: مارسیا، هویت موفق را تقریباً شامل رویارویی و با بحرانهای شخصی و تصمیم گیری متفکرانه می داند. فرد نسبت به انتخاب های گوناگون و دشواری که زندگی برایش فراهم نموده، آگاه می گردد و این تقریباً رسیدن به مرحله میان واگرایی است که پیاژ مطرح می نماید. انتخابی که می کند، همراه با تعهد می باشد، تعهدی که منابع روانی فرد را در خدمت به رسیدن هدفی قرار می دهد (نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷).

با این حال کیفیت و کمیت تجارب آدمی و ویژگی های شخصیتی و تغییرات محیطی، در چگونگی مواجهه وی با چالش های زندگی نقش ماندگار بر جا می گذارد و حتی در هویت یابی نوجوانان نیز نقش دارد. تدریجاً مهارت های ویژه

نهادینه شده، در فرد به وجود می آید که او را در تقابل تغییرات زندگی همراهی می کنند (موس و بیلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰).

مک کری و کوستا شخصیت را در امتداد پنج بعد یا پنج عامل اصلی شامل نوروزگرایی<sup>۲</sup>، برونگرایی<sup>۳</sup>، انعطاف پذیری<sup>۴</sup>، دلپذیر بودن<sup>۵</sup> و باوجدان بودن<sup>۶</sup> توصیف کردند. نوروزگرایی به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، کم رویی، تفکر غیرمنطقی، افسردگی و عزت نفس پایین اطلاق می شود. برونگرایی به تمایل برای مثبت بودن، قاطعیت، تحرک، مهربانی و اجتماعی بودن گفته می شود. انعطاف پذیری عبارت است از تمایل به کنجکاوی، هنرنمایی، خردورزی، با وجدان بودن، روشنفکری و نوآوری و همسازی به تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتمادورزی، همدلی، فرمانبرداری، فداکاری و وفاداری اطلاق می شود. با وجدان بودن عبارت است از تمایل به سازمان دهی، کارآمدی، قابلیت اعتماد، خویشننداری، پیشرفت گرایی، منطق گرایی و تعمق (بشارت، ۱۳۸۶).

در پژوهش دولینجر<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) که در ارتباط با سبک های هویت و پنج عامل شخصیت صورت گرفت، نتایج حاکی از این بود که: بین سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری و ویژگی های شخصیتی، برون گرایی و دلپذیر بودن و با وجدان بودن رابطه مثبت وجود دارد، برون گرایی یک رابطه مثبت با هویت اطلاعاتی دارد اما یک رابطه منفی با هویت هنجاری، اما هویت پراکنده و اجتنابی

<sup>1</sup> - Moos & Billing

<sup>2</sup> - neuroticism

<sup>3</sup> - extraversion

<sup>4</sup> - Openness

<sup>5</sup> - agreeableness

<sup>6</sup> - Conscientiousness

<sup>7</sup> - Dollinger

یک رابطه مثبت با ویژگی های شخصیتی و روان رنجوری دارد و یک رابطه منفی با ویژگی های شخصیتی دلپذیر بودن و با وجدان بودن.

ماللری طرحی ارائه کرد که یافته های بعدی ماریسا از آن حمایت کردند. در این طرح اولیه هر دو جفت از چهار پایگاه هویت من ماریسا همبستگی منفی بالا داشتند که اساساً ابعاد دوقطبی را به وجود آوردند، که عبارتند از: هویت موفق در برابر هویت آشفته و هویت دیررس در برابر هویت زود هنگام. طبق این طرح شخص با هویت موفق، مستقل و اثربخش بوده و ارزش های منسجم و روابط گرمی با دیگران دارد. بنابراین هویت موفق، انسجام انواع متفاوتی از ویژگی های شخصیت را منعکس می سازد که شامل سودمندی روابط بین فردی و ارزش های شخصی است. در مقابل شخص با هویت آشفته دچار تعارض است، نیازها و اهدافش در این که به سمت نوعی از تعهد که زیربنای هویت است گرایش یابند، دچار مشکل است. شخصی که در مهلت خواهی (تعویق افتاده) است، سرکش، مضطرب و درون گراست و نسبت به تغییرات و ایده های جدید باز است، در حالی که شخص با هویت زود هنگام تا حد زیادی کنترل یافته بوده و با مردم به شکل متعارف در ارتباط است (هلن و استوارت، نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷).

آگاهی از ویژگی های شخصیتی، برای مقابله مؤثر با مشکلات زندگی مفید و سودمند است. از آنجائی که ویژگی های شخصیتی عمیقاً با نحوه ادراک و تفسیر فرد از جهان و واکنش او به رویدادهای استرس زا مرتبط است، طبیعی است که برخی ویژگی های شخصیتی از ویژگی های دیگر انعطاف پذیرتر است. افرادی که دارای ویژگی های شخصیتی انعطاف ناپذیر می باشند و همچنین کسانی که نمی توانند پاسخهای خود را با تقاضای یک موقعیت خاص منطبق سازند فاقد مهارت های زندگی بوده و بدترین واکنش ها را به زندگی نشان می دهند (کلینیکه، ۱۳۸۶).

با بررسی رابطه بین شخصیت و هویت دانش آموزان، می‌توان آگاهی لازم در جهت دست‌یابی به هویت موفق که گامی در جهت ایجاد شخصیت سالم آنها می‌باشد، اقدامات لازم را انجام داد. چرا که دانش آموزان آینده سازان جامعه هستند و توجه کردن به آنها از ضروریات است. با توجه به مطالب و نظریه‌های ذکر شده، هدف کلی انجام این تحقیق، تعیین رابطه ویژگی‌های شخصیتی با انواع هویت در دانش آموزان دختر سوم راهنمایی تبریز می‌باشد.

### سوالات و فرضیه‌های تحقیق

میزان مولفه‌های چهارگانه هویت تا چه اندازه است؟

میزان مولفه‌های پنج‌گانه شخصیت تا چه اندازه است؟

بین نوروزگرایی با هویت آشفته رابطه وجود دارد.

بین نوروزگرایی با هویت تعویق افتاده رابطه وجود دارد.

بین انعطاف‌پذیری با هویت زود هنگام رابطه وجود دارد.

بین دلپذیری با هویت زود هنگام رابطه وجود دارد.

بین برون‌گرایی با هویت پیشرفته رابطه وجود دارد.

بین باوجدان بودن با هویت پیشرفته رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهشی

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی<sup>۱</sup> و از نظر زمانی یک مطالعه مقطعی<sup>۲</sup> می‌باشد که گردآوری داده‌ها با پرسشنامه‌های استاندارد شده، شخصیت و هویت انجام شده است. در کل یک مطالعه همبستگی است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهر تبریز در ۱۷۰ مدرسه می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ تعداد آنان طبق

<sup>۱</sup>- Survey

<sup>۲</sup>-Cross Sectional

آخرین آمار از سازمان آموزش و پرورش شهرستان، ۱۲,۷۴۸ نفر می باشد که از بین آنها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای ۰/۰۱ و دقت برآورد  $d = 0/05$  و حداکثر واریانس  $pq = 0/25$  حدود ۳۷۰ نفر به طور تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند.

شیوه نمره گذاری و تفسیر نمرات هویت بدین ترتیب است که این پرسشنامه از ۶۴ آیتم تشکیل شده و شامل چهار خرده مقیاس آشفته، زودشکل گرفته، تعویق افتاده و پیشرفته می باشد که هر یک شامل ۱۶ سوال می باشند که شیوه نمره گذاری در مقیاس طیف لیکرت به گونه ای است که از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف به ترتیب نمره های ۶ تا ۱ تعلق می گیرد و دامنه هر یک از چهار مولفه بین ۱۶ و ۹۶ می باشد که تفسیر هر یک از مقیاسها به این شرح است:

در حالت هویت آشفته نمره ۵۳ و بالاتر نشان دهنده وجود هویت آشفته در نوجوان است. در حالت هویت زود شکل گرفته نمره ۵۳ و بالاتر نشان دهنده تشکیل هویت زود شکل گرفته می باشد. در حالت هویت به تعویق افتاده نمره ۶۳ و بالاتر نشانگر وجود هویت تعویق افتاده در نوجوان می باشد و در حالت هویت پیشرفت نمره ۷۳ و بالاتر نشانگر تشکیل این نوع هویت در نوجوان می باشد.

شامل پنج مولفه نوروگرای، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلبذیر بودن و وجدان گرایی می باشد که هر یک طی ۱۲ سوال در مقیاس طیف ۵ گزینه ای لیکرت سنجیده شده است که دامنه هر یک از مولفه های ۵ گانه شخصیت بین ۱۲ تا ۶۰ می باشد. هر چه نمره ها بیشتر باشند، بیانگر وجود آن نوع ویژگی شخصیتی در فرد می باشد.

جهت سنجش پایایی مولفه های هویت: کارلسون با انتخاب ۱۶۲ دانشجو، همسانی درونی ۰/۶۹ برای خرده مقیاس هویت آشفته، ۰/۸۱ برای خرده مقیاس زودشکل گرفته، ۰/۶۶ برای خرده مقیاس هویت به تعویق افتاده و ۰/۷۶ برای خرده



مقیاس هویت پیشرفته با میانگین ۰/۷۷ بدست آورد (بنیون و آدامز، نقل از آقا سلطانی، ۱۳۷۸).

برای ارزیابی اعتبار ملاکی پرسشنامه شخصیتی نئوفریم کوتاه (NEO-FFI) از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (فرم S) و ارزیابی مشاهده گر (فرم R) استفاده شده است. که میزان همبستگی در پنج عامل اصلی و ۳۰ رویه است. در بین عوامل اصلی حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برونگرایی (E) و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل دلپذیر بودن (A) است. در بین رویه ها حداکثر همبستگی به میزان ۰/۷۰ در رویه اعتماد و حداقل آن به میزان ۰/۲۹ در رویه های انعطاف پذیر در احساسها و دلرحم بودن دیده می شود.

برای ارزیابی پایایی پرسشنامه شخصیتی نئوفریم کوتاه (NEO-FFI) شارون و همکارانش ضریب پایایی ۰/۸۶ برای روان رنجور خوئی (نوروتیسم) و ۰/۷۷ برای برونگرایی، ۰/۷۳ برای انعطاف پذیری، ۰/۸۶ برای دلپذیر بودن و ۰/۸۱ برای وجدان بودن را گزارش کرده اند آلفای کرونباخ توسط واین و همکارانش بدین ترتیب است:  $A = 0.89$ ،  $C = 0.60$ ،  $N = 0.74$ ،  $O = 0.76$  در ایران ضریب پایایی بدست آمده برای  $N.E.O.A.C$  به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ بوده است (گروسی، ۱۳۸۰).

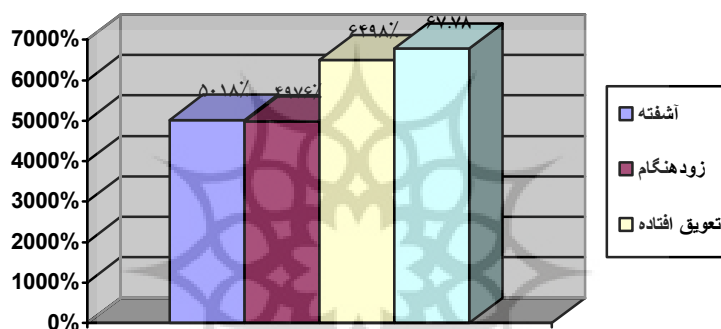
### یافته‌ها و بحث و تفسیر

در مقاله حاضر ابتدا به توصیف متغیرهای فردی و سازه‌های بررسی شده پرداخته‌ایم، سپس بررسی روابط متغیرها با استفاده از آزمونهای دو متغیری انجام شده است.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

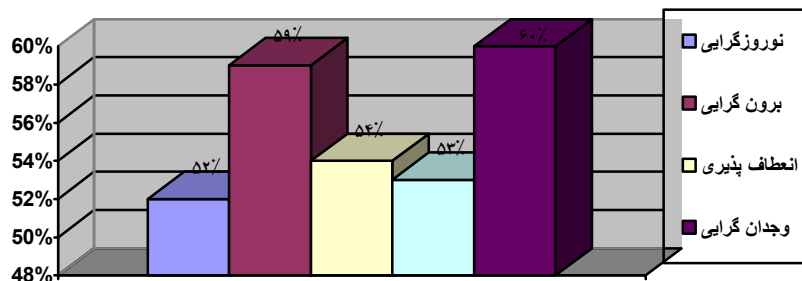
در نمودار ذیل ملاحظه می گردد مولفه های چهارگانه هویت دانش آموزان ذیل به شرح ذیل می باشد:

هویت آشفته: نمره ۵۰/۱۸ و کمتر از نمره ۵۳ می باشد بنابراین این نوع هویت در بین دانش آموزان شکل نگرفته است. هویت زود هنگام: با نمره ۴۹/۷۶ و کمتر از نمره ۵۳ می باشد. بنابراین این نوع هویت نیز در بین دانش آموزان شکل نگرفته است. هویت تعویق افتاده: با نمره ۶۴/۹۸ و بیشتر از نمره ۶۳ می باشد. بنابراین این نوع هویت در بین دانش آموزان شکل گرفته است. هویت پیشرفته: با نمره ۶۷/۷۸ و بیشتر از نمره ۷۳ می باشد. بنابراین این نوع هویت نیز در بین دانش آموزان شکل گرفته است.



در نمودار ذیل ملاحظه می گردد مولفه های پنج گانه شخصیت دانش آموزان مورد مطالعه به شرح زیر می باشد:

نوروزگرایی ۵۲٪، برون گرایی ۵۹٪، انعطاف پذیری ۵۴٪، دلپذیر بودن ۵۳٪ و وجدان گرایی ۶۰٪ میباشد. همانگونه که در نمودار نیز ملاحظه می گردد مولفه وجدان گرایی از سایر مولفه های شخصیت بیشتر در بین دانش آموزان پرورش یافته است.



### آزمون فرضیه ها

با توجه به آزمون های همبستگی انجام گرفته ملاحظه می گردد از بین ۶ فرضیه جدول ذیل، فقط یک فرضیه که مشخص گردیده، رد شد و ۵ فرضیه دیگر با شدتهای مختلف تایید گردیدند.

فرضیه	معنی داری آزمون	سطح	پیرسون	مقدار همبستگی	ضریب تعیین
فرضیه ۱	بین نورزگرایی با هویت آشفته رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۲۱	۵۵ درصد
فرضیه ۲	بین نورزگرایی با هویت مهلت خواه رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۱	۰/۱۷	۰/۱۷	۳ درصد
فرضیه ۳	بین انعطاف پذیری با هویت زود هنگام رابطه وجود دارد.	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۱۱	۱ درصد
فرضیه ۴	بین دلپذیر بودن با هویت زود هنگام رابطه وجود دارد.	۰/۷	۰/۰۱	۰/۰۱	.....
فرضیه ۵	بین برون گرایی با هویت پیشرفته رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۴ درصد
فرضیه ۶	بین وجدان گرایی با هویت پیشرفته رابطه وجود دارد.	۰/۰۰۱	۰/۱۷	۰/۱۷	۳ درصد

### نتیجه‌گیری و بحث و تفسیر

یافته‌های موجود از طریق ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین نوروژگرای و هویت آشفته رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد و سطح معنی‌داری آزمون  $P=0/000$  و زیر  $0/05$  می‌باشد.

این یافته با یافته‌های پژوهش‌های قبلی از جمله (کروگر، ۲۰۰۰؛ دولینجر، ۲۰۰۲) و همچنین با یافته‌های (ماللری به نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷ و پاشا و همکاران به نقل از فارسی نژاد، ۱۳۸۴) همسو می‌باشد. آنها در تبیین این یافته‌ها به نقش شکل‌گیری موفق هویت فردی در نوجوانی براساس تجربیات حاصل از برخورد صحیح اجتماعی تاکید می‌کنند و نیز بر این باورند که نوجوان باید خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد تا تعادل روانی وی تضمین شود، ولی اگر سرخوردگی و عدم اطمینان جایگزین گردد و به جای تماس با مردم، نوجوان گوشه‌گیر و به جای تحرک به رکود گراید، به نابهنجاری و هویت آشفته دست می‌یابد (کلارک، ۱۹۹۲).

یافته‌های موجود از طریق ضریب همبستگی پیرسون در نشان می‌دهد که بین نوروژگرای و هویت تعویق‌افتاده رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد و سطح معنی‌داری آزمون  $P=0/001$  و زیر  $0/05$  می‌باشد. این یافته با یافته‌های پژوهشی قبلی از جمله (دولینجر، ۲۰۰۲) و (اریکسون و ماللری به نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷؛ پاشا و همکاران به نقل از فارسی نژاد، ۱۳۸۴) همسو می‌باشد. مارسیا معتقد است تعویق در هویت، ویژگی افرادی است که براساس اهداف خود، فعالانه در جستجوی تحقق هویت‌اند ولی در راه اهداف انتخابی، ملاک تلاش‌های آنها جهت رسیدن به تعهدات است (نقل از حسین زاده ۱۳۸۷) و همچنین گلاسر معتقد است که هویت به تعویق افتاده، فرصت مناسبی به نوجوان می‌دهد تا امکانات موجود را ارزیابی کند تا با تجربه شرایط متنوع، بتواند نقش ایده‌آل خویش را در جامعه پیدا کند و از آن طریق جایگاه خویش را ترسیم کند، این‌گونه دانش‌آموزان امکانات

بیشتری پیش روی خود دارند تا با تجربه آن امکانات، به ترسیم جایگاه مطلوب خویش در جامعه دست یابند (همان منبع).

یافته‌های موجود از طریق ضریب همبستگی پیرسون در نشان می‌دهد که بین انعطاف‌پذیری و هویت زود هنگام همبستگی معنی‌دار و مثبت وجود دارد و سطح معنی‌داری آزمون  $P=0/02$  و زیر  $0/05$  می‌باشد. این یافته با یافته‌های پژوهش قبلی از جمله (مارسیا و فرودمن به نقل از آقاسلطان، ۱۳۷۸ و ماللری به نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷) همسو می‌باشد. ولی با یافته‌های (آرچر و واترمن به نقل از برک، ۲۰۰۳ و پاشا و همکاران به نقل از فارسی نژاد، ۱۳۸۴) غیر همسو می‌باشد. در دیدگاه مارسیا، افراد با هویت زود شکل گرفته توسط دیگری جهت داده می‌شود و نقشی که افراد قدرتمند یا دوستان بانفوذ به او توصیه می‌کنند، با فراغ‌بال می‌پذیرد. بنابراین این دو متغیر نمی‌توانند با همدیگر رابطه داشته باشند (نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷).

یافته‌های موجود از طریق ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین دلبندگی و هویت زود هنگام رابطه‌ای وجود ندارد و سطح معنی‌داری آزمون  $P=0/07$  و بالای  $0/05$  است. بنابراین بین این دو متغیر همبستگی وجود ندارد. این یافته، با یافته‌های پژوهش‌های قبلی از جمله (مارسیا، ۱۹۸۰؛ کروگر، ۲۰۰۰؛ بروزنسکی، ۱۹۹۳) (پاشا و همکاران، به نقل از فارسی نژاد، ۱۳۸۴) همسو می‌باشد و با یافته‌های (دولینجر، ۲۰۰۲) غیر همسو می‌باشد. دلبندگی با صفاتی همچون همکاری، گذشت و مهربانی و همدردی و خویش‌مشربی و اعتماد توصیف می‌شود (مک کری و جان، ۱۹۹۲). در مقابل هویت زود هنگام ویژگی افرادی است که بیشتر توسط دیگری جهت داده می‌شود تا توسط خودش. به نظر می‌رسد که فرد مسئولیتی که به دنبال آزادی وجود دارد می‌تواند (نقل از حسین زاده).

یافته‌های موجود از طریق ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین برون‌گرایی و هویت پیشرفته رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و سطح معنی‌داری

آزمون  $P=0/000$  و زیر  $0/05$  می باشد. این یافته، با یافته های پژوهش های قبلی از جمله (اسپرینتال و کولینز، ۱۹۹۵؛ واترمن، ۱۹۸۲؛ مارسیا، ۱۹۸۰؛ دولینجر، ۲۰۰۲) (مارسیا و فردمن به نقل از آقاسلطان، ۱۳۷۸ و ماللری به نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷) همسو می باشد. در تبیین یافته های فوق چنین می توانیم بگوییم که برون گرایی، آمادگی فرد را برای تجربه حوادث لذت بخش افزایش می دهد و این آمادگی ها می تواند به فرد کمک کند تا مخصوصاً در حوزه روابط شخصی و اجتماعی کارآمدتر ظاهر شود که باعث پیشرفت در هویت فرد می شود (واتسون و کلارک، ۱۹۹۲). ویژگی دیگر برون گرایی شامل مثبت بودن، قاطعیت و اجتماعی بودن است که نیز می توانند به سهم خود آمادگی های فرد را در زمینه روابط و عواطف اجتماعی تقویت کنند و از این طرفی باعث تقویت هویت فرد شوند (جان، ۱۹۸۹). و نیز افراد برونگرا نسبتاً سطوح بالائی از شادی و انرژی و علاقه را از خودشان می دهند (واتسون و هیو بارد، ۱۹۹۶).

یافته های موجود از طریق ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین وجدان گرایی و هویت پیشرفته رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و سطح معنی داری آزمون  $P=0/001$  و زیر  $0/05$  می باشد. این یافته، با یافته های پژوهش های قبلی از جمله (دولینجر ۲۰۰۲) همسو می باشد. در تبیین این یافته ها به نقش وجدان گرایی در پیشرفت هویت اشاره دارد چرا که افراد با وجدان بالا، معمولاً وظیفه شناس، منظم و قابل اعتماد هستند و رفتارهایی جهت دهی شده به سوی هدف دارند (نقل از مهبد، ۱۳۸۸) و نیز افرادی که در وضعیت هویت موفق و پیشرفته به سر می برند. به احتمال زیاد دارای خصایص وجدان گرایی بوده اند، چرا که از ویژگی این نوع هویت از دیدگاه مارسیا فرد نسبت به انتخاب های گوناگون و دشواری که در زندگی برایش فراهم نموده، آگاه می گردد. و تصمیم گیری متفکرانه ای انجام می دهد. (نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷).

### پیشنهاد‌های تحقیق

از پیشنهادات این تحقیق این است که برای والدین نیز جلسات آموزشی تربیت داده شود تا آنها محیط غنی تری برای فرزندان خود فراهم کنند، تا آنها بتوانند در مسائل اجتماعی انعطاف پذیری بیشتری از خود نشان دهند. و همچنین پیشنهاد می شود راه های کسب هویت در محتوی دروسی مانند علوم اجتماعی و پرورشی گنجانده شود. و از ابزارهایی غیر از پرسشنامه برای اندازه گیری متغیرها استفاده شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ:

- آفاسلطان، س. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین هویت و خلاقیت در بین دانشجویان سال اول دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- احدی، ح. جمهوری، ف. (۱۳۸۵). روانشناسی رشد ۲ (نوجوانی، جوانی، میانسالی، پیری) تهران: انتشارات پردیس. بشارت، م.ع. رضازاده، م. فیروزی، م. حبیبی، م. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر هوش هیجانی بر سلامت روانی و موفقیت تحصیلی در مرحله انتقال از دبیرستان به دانشگاه. مجله علوم روانشناختی. دوره ۴، شماره ۱۳، ص ۲۶-۳۷.
- بشارت، م.ع. رضازاده، م. فیروزی، م. حبیبی، م. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر هوش هیجانی بر سلامت روانی و موفقیت تحصیلی در مرحله انتقال از دبیرستان به دانشگاه. مجله علوم روانشناختی. دوره ۴، شماره ۱۳، ص ۲۶-۳۷.
- حسین زاده، م. (۱۳۸۷). بررسی نقش تغییرات سبک های هویت یابی و شیوه های مقابله ای در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- فارسی نژاد، م. (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی. پایان نامه دانشگاه تهران: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- کاشی پزها، ج. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین تیپ های شخصیتی و شغل در پرسنل هوایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد رودهن.
- کلینیکه کرسیس، ال. (۱۳۸۶). مهارت های زندگی. ترجمه محمدخانی. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- گروسی فرشی، ن. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: انتشارات جامعه پژوه، نشر دانیال.
- مهبد، ن. (۱۳۸۸). بررسی ویژگیهای شخصیتی و رضایت زناشویی زوجین شهر تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تبریز.
- نقی زاده، ع. (۱۳۸۷). ارتباط سبک های هویت، اختلالات شخصیت و رفتارهای پرخطر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. پایان نامه کارشناسی ارشد.



- Adams, C. R. & Montemayor, R. (1989), *Biology of adolescent behavior and development*. New York: Sage Publication.
- Berk, L. (2003), *Developmental psychology*. Scientific American MC Graw, Hill Press.
- Clark, L.A. (1992), on traits and temperament: General and specific factors of emotional experience and their relation to the Five-Factor model. *Journal of personality*, 60, 44-476.
- Dollinger, Stephen C.M. Clancy. (2002), *Identity, styles and the Five-Factor model of personality*. American: Basic Books.
- Erikson, E. (1959), *Identity and the life cycle* New York: International Universities Press, Inc. Directions (pp.201- 271). New York: Springer.
- Guilford, R. (1959), Measuring marital satisfaction in three generations: positive and negative dimensions. *Journal of marriage and the family*, 39, 381, 298.
- Harige, O., Saunders, C. & Dickson, D. (1994), *Social Skills in interpersonal communication*. Landau: Routledge.
- John, O.P. (1989), Towards a taxonomy of personality descriptors. In D.M. Buss, & N. Cantor (Eds.), *Personality psychology: recent trends and emerging*
- Killgore, W. & Yyrgelun, D., (2006), Neural correlates of emotional intelligence in adolescent children, 7(2): 140-510.
- Marcia, J.E. (1980), *Identity in adolescence* in J. Adelson (Ed). *Handbook of adolescent Psychology*. New York: Wiley.
- McCrae, R & John, O.P (1992), An introduction to the Five Factor model and its application. *Journal of personality*, 60, 175-215
- Moos, R. h, & Billings, P. (1990), Risk, resistance and psychological distress. *Journal of Abnormal Psychology*, 90, 3-13.
- Sprinthall, N.A & Collins, W.A. (1995), *Adolescent Psychology a developmental view* (3rd ed). New York: by McGraw Hill, Inc.

- Waterman, A.S. (1982), Identity development from adolescence to adulthood: an extension of theory and review of research *Developmental Psychology* 18 (3), 34-358.
- Watson, D., & Hubbard, B. (1996), Adaptation style and dispositional structure: Coping in the context of the five factor model. *Journal of personality*, 64, 735-774.
- Watson, D., & Clark, A. (1992), On traits and temperament general and specific factors of emotional experience and their relation to the five factor-model *Journal of personality*, 60(2): 44,476.

